

رئیس — اینکه سابقاً بنده عرض کردم بماند برای شنبه برای این بود که نتیجه صحیحی از این کار برده باشیم (در این موقع که بیست دقیقه از زانه گذشته است رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد)

جلسه ۲۶۱

صورت هشروح روز شنبه (۱۹)

شهر حمادی المائیه (۱۳۳۹)

رئیس (آقای مومن الملک) سه ساعت وربع قبل از ظهر به مقام ریاست جلوس نموده پس از یک ربع مجلس رسماً تشکیل شد.

صورت مجلس دوی پنجم شنبه ۱۷ را آقای میرزا رضا خان قرائت نمود.

(غایبین جلسه قبل)

ذکاءالملک - ناصرالاسلام - بدون اجازه — ابوالقاسم میرزا - حاج محمدکریم خان - بهجت - دکتر لقمان - با اجازه - غائب بوده - معززالملک (۴۵) دقیقه از حضور در وقت مقرر تأخیر نمودند

رئیس — آقای کردستانی در صورت مجلس ملاحظه داشتند؟

آقا میرزا اسدالله خان — در صورت مجلس در ماده چهارم قانون عتیقات مبنیوسید که بنده فقط با صدی چهل حقوق دولت از مسکوکات مخالف بودم ولی غرض بنده این نبود بلکه غرض اصلی بنده این بود که اگر این مالیات را در محل استخراج این قسم اشیاء عتیقه بگیرند از برای دولت گران تمام خواهد شد و در موقع خروج مال التجاره که قیمتش معین است اگر بگیرند بهتر است و اینجا اشتباهآ نوشته شده است.

رئیس — اصلاح میشود - آقای اردبیلی .

آقا سیدحسین اردبیلی — کمیسیونی از طرف هیئت وزراء پیشنهاد شده بود آنچه بنظر بنده میرسد برای این بوده است که همان بودجه را که از مجلس گذشته است اجرا بکند و آن هم با کثیریت بلکه باتفاق اراء از مجلس ردشد.

رئیس - کمیسیونی که خواسته بودند برای این بود که همان بودجه ای را که از مجلس گذشته است اجراء بکند.

رئیس - دیگر ملاحظاتی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس — صورت مجلس تصویب شد . دستور امروز قانون عتیقات - قانون تعریف تلگرافی - دو فقره رایورت کمیسیون بودجه حالا شروع میکنیم بشور اول از قانون عتیقات از ماده هفتم (بعبارت ذیل)

قرائت شد)

ماده (۷) مجسمه و ستون و کتیبه هایی که از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلطانین قدیم باشد متعلق بدولت خواهد بود و جزء مالیاتهای مذکوره در ماده سیم و چهارم محسوب خواهد شد فقط دولت ده یک از قیمت را بصاحب اجازه حق الزحمه خواهد داد.

حاج شیخعلی — بنده خیلی متوجه از چنین موادی که از کمیسیون گذشته است برای این که بهر ماده که میرسیم یک محظوظی در آن ماده است و نمیدانم چطور شده است که کمیسیون عطف نظری با آن محظوظ نکرده است مثل اینکه در این ماده هم بنویسد که مجسمه و ستون و کتیبه هایی که از زیر

معززالملک - مقدمه باید عرض کنم که اظهار ایکه در اینجا میشود هیچ مربوط بفرمایش آقای نائب السلطنه نیست و خوبست ماتکیه کلام خودمان را آقای نائب السلطنه قرار ندهیم واشان بلکی خارج از این ترتیبات هستند و اگر اظهاری میشود راجع است با اظهارات وزراء و بنده معنی این پیشنهادی که از طرف وزراء شده است نمیدانم بجهت اینکه این اختلافات نظریکه در بودجه دربار است یاراجع است بصورت ظاهری آنوقت آن ارجاع میشود بکمیسیون بودجه هیچ چیزی بر آن نخواهد افزوود در اینجا اعتراف شد که آن ترتیباتیکه باید در آوردن بودجه به مجلس مراعات بشود نشده است چه از طرف کمیسیون بودجه وجه از طرف معاونت وزارت مالیه از هر جا شده است قصور شده است اما اگر ارجاع بکمیسیون بودجه راجع باعضا درباری است که بعضی از اعضاء درباری این حقوق را کم میدانند و راجع بمواد بودجه است آنهم این ترتیب نخواهد بود بجهت اینکه بالآخره نیز تصدیق میکنم که بودجه دربار نباید ماده بعاده بیاید مذاکره شود باید انتباری در ضمن بودجه کل از برای وزارت دربار منظور شود و حالا اینرا چه باید که داین هیچ لازم نیست که الان رجوع شود بکمیسیون بودجه آقای وزیر مالیه اگر لازم میدانند که بودجه دربار کم است و بعضی از مواد بودجه دربار را کم میدانند ممکن است بطوری که در قانون محاسبات عمومی تصریح شده است یک اعتبار ضمیمه از مجلس تقاضا کنند آنوقت آن اعتبار فوق العاده و ضمیمه که آمد به مجلس رجوع خواهد شد بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه آنرا تصویب خواهد کرد و رایورت خودش را به مجلس میدهد و مجلس هم تصویب میکند و اینکه اظهار شد که این بودجه دو مرتبه بر گردد بکمیسیون بودجه و دوباره بیاید به مجلس بنده نمیدانم دراینصورت مجلس چه خیالی خواهد داشت .

رئیس - مذاکرات کافی است دو مرتبه پیشنهاد آقای حاج آقا فرائت میشودورای میگیریم (مجدد)

پیشنهاد حاج آقا فرائت شد)

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقای ایکه این پیشنهاد را تصویب میکنند قیام نمایند (کسی قیام نکرد).

رئیس - ردشد - دستور روز شنبه - قانون عتیقات - قانون تعریف تلگرافی - رایورت کمیسیون بودجه راجع بورنه سیدحسن و اسماعیل مجاهد و زیر امور خارجه - بله باین ترتیب اخیر که مشهود میشود که مجلس میخواهد بلکی خودش را کنار بکشد بنده تصور میکنم که بمحظوظ بزرگی واقع خواهیم شد و شاید مشکلات بزرگ برخوریم و اینکه خود وزیر مالیه بکمیزی ضمیمه بکنند باین بودجه و پیشنهاد بکنند به مجلس یک امری است که خیلی اسباب اشکال است و بعضی نمایندگان معتبر نظریات و مشکلاتیکه در نظردارند البته فراموش نباشد بکنند و تصور بکنند که اگر مجلس یک کمکی در این باب نکند و با وزراء در این باب اتفاقی نکنند و تشکیل یک کمیسیونی نکنند که در این باب ترتیبی داده شود شاید یک مشکلاتی برخوریم میتوسیم که اسباب پیشلنی بشود .

نظر گرفته شده این بود که اگر بودجه در غیاب آقای نائب السلطنه گذشته بود در این مسئله ایرادی وارد نبود که بعداز تشریف فرمائی شان به مجرد تغییر نیابت سلطنت یا ب مجرد دور و دشان نظراتی لازم باشد که در بودجه بنایند آنوقت محل نداشت، اما در آن دولت وارد آن دربار شده است و هنوز آن بودجه نگذشته است باید آن بودجه را خواست و مطالعات کرد گمان ندارم غیر از این هیچکس تصدیق بکند اما اینکه میرمایند هیئت دولت یک چیزی را پیشنهاد بکند مقصود را شاید ملتفت نشده اند یا نتوانسته باشیم طوری بیان کنیم که آقایان ملتft شوند مقصود این است که هیئت دولت در این موضوع بازهار آقای نائب السلطنه این پیشنهاد را میکنند و فقط نقطه نظرشان اینجا است که نمیخواهند بگویند حتی چیزی علاوه کرد میگویند یک بودجه گذشته است حالا به چه وسیله این اشتباه واقع است در هر حال این اشتباه واقع شده و یک بودجه گذشته است والبته غیر کافیست و از طرف دیگر نیابت سلطنت نمیخواهد مداخله کند در این مسئله و نمی خواهد ناراضی بودن دیگران را تحمل کنند و اسباب عدم رضایت جمعی را فراهم کنند و نمیخواهند بگویند این بودجه کم است من زیادتر میخواهم در این مورد البته اگر هیئت وزرائی هم اینرا بخواهد پیشنهاد بکنند بازور اذهان مردم نمیشود این رفع شبه را کرد شاید نظریات وزراء هم مثل نظریات آقای نایب السلطنه است و همان محظوظاتی که ایشان دارند هیئت وزرائی هم همان محظوظات را دارند حالا این کاری است که واقع شده معاون وزارت مالیه یا وسائل دیگر چطور شده است که نین را گذرانیده اند یک امری است واقع شده و نظر نیابت سلطنت و هیئت وزراء در این است که با رکمک مجلس این کار اصلاح شود که بدون کمک مجلس اصلاح نمی شود و خودشان مستقیماً نمیتوانند در این کار دخالت بکنند که آن سوء ظن حاصل نشده باشد و اینکه میگویند بودجه دربار مسترد نشده بوده است در صورتیکه خود اعضا کمیسیون بودجه و رئیس سابق مجلس شورای ملی حاضرند و تصدیق میکنند که در زمان آنها واقع شده است دیگر نمیتوان انکار کرد خود آقای نائب السلطنه بودجه را خواستند و معاون وزارت مالیه آمد بودجه را از کمیسیون گرفت و بخدمت آقای نائب السلطنه معاودت داد و در همان وقت که این کاینه هنوز تجدید نشده بود در همان کاینه سابق او اخر آن کاینه بود که بنده هم بودم بنده نظر دادم که آقای عبد العکماء بودجه را آورد و تقدیم کرد خدمت آقای نائب السلطنه که با نظریات ایشان بعد تقدیم مجلس شورای ملی بشود پس این استرداد شده دیگر نمیتوان گفت استرداد شده حالا که در این باب که چه شده است آنرا دیگر آقای مستشار الدوله در ضمن یک رشتہ صحبتی بیان کردند دیگر بنده تکرار نمیکنم ولی عرض میکنم در این مورد مجلس نباید خودش را کنار بگیرد اگر بخواهند این کار را انجام بدهند باصمیمتی که داریم بخواهند این کار وزراء باصمیمتی که دارند بخواهند اینکار را تمام کنیم و خاتمه بدهیم باید بموافقت و کمک همیکر بکنیم و به نتیجه مطلوبه برسیم .

اینکه بدینه است که نبتوان گفت که تایپ برده روی خاک مالیات شخصی است و از آن پرده که پائین رفت مال دولت است و از بدینه ایات اسلامی است که کسی کمال سطح ارضی شدمال عق اوهست حالاگر کسی نظر باجهاد شخصی خودش این را قبول نکند ربطی باصول مسلمه شرع اسلام ندارد پس بنده عرض میکنم که هم فقط مجسمه و ستون و کتبه هارا میخواهیم تکلیفش رامعن بکنم که باید متعلق بکم باشد والبته مجسمه هم منحصر نیست که مجسمه سلطان ساسانی باشد مجسمه هر کس میخواهد باشد جو از نفایس تاریخی است و برای موزه دولت فایده دارد راجع بدولت قرار بدهیم سهل است ولی دراستخراج ستون و کتبه این جور چیزهای بزرگ مخارج زیاد میشود به اینکه مثل مخارج استخراج کاسه یا کوکوه باشد و پس باید لاحظه کرد و مخارج آنرا بگردن دولت قرار داد که این اشیاء رامبرد باجهاد بیشنهاد کرد و زیاد بپرین راکه درمداد دیگر نوشته ایم لازم نیست که درین ماده نوشته شود.

رؤیس - رأی میگیرید باین اصلاح آقای حاجی سید ابراهیم آقایانی که این اصلاح را قبل توجه میدانند قیام نمایند اغلب قیام نکردن) رؤیس - قابل توجه نشد (اصلاح آقای لسان-الحكماه بعبارت ذیل قرائت شد) در آخر ماده ۷ اینطور نوشته شود.

فقط دولت دهد او از قیمت بصاحب اجازه حق الزحمه خواهد داد.

رؤیس - دوفقره اصلاح بیشنهاد کرده اید هردو راید خواند؟

لسان الحکماء - همان بیشنهاد ثانی را بخواهند (نیز بعبارت ذیل قرائت شد) اصلاح ماده (۷).

از مجسمه و ستون و کتبه هایی که از زیر خاک استخراج میشود و اهمیت تاریخی داشته باشد و آنچه راجع بسلطان قدیم باشد دولت از ده هشت مالیات اخذ مینماید.

رؤیس - کمیسیون چه میگوید.

افتخار الٰٰ اعظمین - آن اولی یک چیز دیگری بود برای اینکه بیشنهاد کرده بودند که از عین ده حق الزحمه داده شود.

رؤیس - اولی رامسترد کردید ثانی راجه می فرماید.

افتخار الٰٰ اعظمین - بیشنهاد ثانی چون بعنوان مالیات است کمیسیون نمیتواند قبول بکند اگر مثل اولی دهد بشوشتاید قبول بکند.

حج سید ابراهیم - این بیشنهاد بندیدر چند **لسان الحکماء** - بنده همان دهد راتخین فقره مخالف بارابورت کمیسیون است یکی این که میگوید آنچه راجع بسلطان قدیم باشد اگرچه غیر از مجسمه و کتبه هایی که اینکه مسئله نقیش خودش ده برای خرج خواهد داشت و دیگر این که یک مسئله آن گفته شده است دیگر در اینجا نیست که ذکر شود و اما ستون و کتبه های هم که از زیر اندازه مردم را تشویق بکنیم که هم مردم و هم دولت از اینکار اتفاق ببرند و اینکه صدی نود دولت بردارد خال استخراج میشود و اهمیت تاریخی دارد چنانچه از میگوید فرمودند نه این است که بطور مطلق متعلق بمنشی بشهده عرض میکنم که در کمیسیون هستند آقای آقا محمد تعجب میکنم که این مثل این است که نکرده و ملک او نشده است و اگر کسی دیگران را برداشت ملک او است و در یک موقع غیر معینی صرف بکشم و این یک چیزی است که میگذرد آقای حاج شیخ الرئیس در جلسه گذشته فرمودند

آنچه از مجسمه های سلطان ساسانی از زیر خاک بسته برای مجلس نمایندگان است.

شروع که هر گز تصویب نخواهد شد بخصوص این تاریخی داشته باشد و راجع بسلطین قدیم باشد یعنی چیزهایی که در ماده سابق است یک بسط و کشش دارد و آن این است که قید شده است که چیزهایی که اهمیت تاریخی داشته باشد باید معلوم در مواد سابق هم گذشت همین مظهور بود و بنده عرض کرد اگر از ملک شخصی خارج شد مانیتوابیم بگوییم که متعلق بدولت خواهد بود بواسطه اینکه مال خود او است بخصوص چیزهایی که معلوم نباشد این نکرده است که این یک مجسمه بیرون باید باشند از چه زمان بوده است اما اگر از املاک دولت باشد سنتونی استخراج بشود و ممکن است خلی از اشاعه چه اجازه از دولت گرفته باشد و چه اجاره کرده باشد از املاک باید دولت استخراج کرده باشد اینکه نوشته شد که اگر مجسمه یاستون و کتبه یا چیزهای آن چه موضع هم دیگر از این قبیل خلی قیمت است یا آنکه راجع سلا نیز است ولی بعضی ها است اهمیت تاریخی نداشته باشند مملکت دارای یک قیمت زیادی باشد و چون این عبارت کش بردار است ممکن است در آن مورد هم آن را از آن مستخرج بگیرند باز اگر فقط نوشته میشده که اگر از اثایه سلطنتی بود مقنعت بشود و اهمیت تاریخی داشته باشد آن ها متعلق بدولت خواهد بود و فقط یک چیزی بود ولی این قید اهمیت تاریخی است یک چیزی بود اینکه دولت با تکسیکه استخراج کرده است حق الزحمه میهد و اگر از این بدل و احتماً تمام این ماده را رد میکنم و عقبه ام این است که عرض کردم و باز هم عرض میکنم که باید این قانون را اقسامی نوشته که اسباب این نشود که بلکی از این نعمت غیر مترقبه که دولت و افراد مردم از آن انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروم بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید آن وقت دریک نقطه یک مجسمه یا یک کتبه اگر فرضًا بیرون بیاید پیاید او را استخراج میکند و چهل هر قدر که معین شد بکیرد و مابقی متعلق بخود مستخرج خواهد بود و این از این انتفاعات فوق العاده میرند همگی معروف بشوند و این اشایع زیر خاک بماند که شاید بعد کسی ترویت بیدا بکند که بتوانند این کار را بکند یا توانند آقایان بدانند که از برای خارج نمیشود بلکه یک کسی که اجازه میگیرد که از افغان اراضی بازه غربیات بکنندست جاسی جا را خفر میکند و کلی مخارج مینماید و چیزی گیرش نمی آید

۲ اردیبهشت ماه ۱۳۲۶

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

مجلد ۱۴۰۷

رئیس - باید بشما بگویم که نباید شما بایشان درس نزارت پارلمانی بدمید اگر لازم باشد بنده باشان عرض خواهیم کرد.

افتخار الاعظین - به عرض میکنم فرمودند

کیک لفظی زیاد شده است خیریزی زیاد شده است صورتی

که بخط مبارک خودشان نوشته اند بیش بینه است و

تساین آنصورت را بنظر مبارک شان خواهد رساند

که بینند که لفظی زیاد شده است ولی اینماده هشت

راخوب مطالعه بفرمایند اگر کسی پس از آنکه شما

یک قانونی وضع بکنید برای عتبات و اگر کسی

بدون اجازه اداره عتبات برود خفر بکند یا

اگر اجازه رفت و یکچیزی استخراج کرد و بایشکه

مالیاترا نهد آنرا پنهان کرد آیا شما در اینجا

برای آشخاص مجازات معین نخواهید کرد؟ این

معلوم است که کسی که با اجازه برود استخراج بکند

و کسی که بدون اجازه برود استخراج بکند این کسی

که اشیاء مستخرجه را ظاهرآ پیاوید و مالیات را

بدهد این کس باید فرق داشته باشد با آن شخص

آنهم راجع است بایشکه اگر کسی بدون اجازه خفر

کرده باشد یا آنکه آشیانی مستخرجه را پنهان

کرده باشد که مالیات دولت را نخواهد بیرون آورد آن

شیئی مستخرجه ضبط خواهد شد و مجازات قانونی داده

خواهد شد.

حاج شیخعلی - ماده قانون که وضع میشود

باید همچو و وضع شود که مثل فقره نمک نشود که مدتی وقت مجلس صرف وضع بشود و بعد نسخ شود

اگر میخواهید اجرا شود و بی زحمت باشد این ماده

موادی که اینجا نوشته شده است هیچ از برای این کار کافی نخواهد بود جز اسباب تولید زحمت و بک

کشکشی خواهد شد که بالاخره مجبور خواهد شد میفرمایند که اینماده میکنم که ماده هفتم چنین

که این را نسخ بکنند و در این ماده مینویسد

که هرگاه کسی بی اجازه اداره عتبات خفر اراضی

نماید دیگر این خفر اراضی کردن معلوم نیست که برای چیست آنوقت اگر یک شخصی در ملک شخصی

خودش خفر حوض کرده است اداره عتبات خواهد

گفت که اجازه از من نگرفته اید و خواسته اید که استخراج عتبات در اینجا بکنند از کجا معلوم خواهد

شد در هر خانه که میخواهند خفری بکنند برای

استخراج عتبات است یا خفر حوض یا متفق خواهد

گذاشت که اگر زین خانه اش را خفر بکند بینند

برای حوض است یا استخراج عتبات این معلوم باشد

که بجهة اینست یا آنکه هر کس بخواهد در ملک

خودش برای حوض ساختن خفریات بکند و زمین

بکند باید برود ابتداء از اداره عتبات اجازه بگیرد

که من برای حوض میخواهند خفر بکنم نه برای

عتبات این ماده هیچ نمیسانند این مطلب را که بنای

خفر اراضی که میکنم برای چیست از کجا معلوم

میشود که این شخصی که خفر کرده برای عتبات بوده

یا غیر عتبات همچنین اشیاء عتبه ای اگر اینکه حقوق

دولت را نداد اشیاء عتبه هم ایجاد نمیکنم که آقایان

مردم آنوقت یکشی قدمی که در دادست یک شخصی

بیدا خواهد شد دولت برود بگیرد آن را از دست

باود داد یعنی در آن اراضی که متعلق بدولت است دهیک حق الزوجه باو بدنه و در اراضی که متعلق

وعن زمین که از مسلمات میدانم که هر کس سطحش

را مالک است دهدو بدنه که همراه با بت حق الأرض

ملحظه شده باشد هم حق الزوجه آن مستخرج

رئیس - رأی میگیریم باین اصلاح آفای

دکتر اسماعیل خان آقایانی که قابل توجه میدانند قیام

نمایند (اغلب قیام نکردن)

رئیس - قابل توجه علماء حاصل شود اما سایقین

میشود و این اشکال را بنده تصور میکنم که اگر

بخواهد بشود هیچ با مقصود نخواهیم رسید و اصلا

این قانون را بناشد گذاشت و هیچ ذکری از این

چیزها باید کرد و این قبیل چیزها منحصر باین نیست

که در بیک ملکی باشد و در ملک دیگری نباشد و

هرچه از این قبیل چیزها خارج شد باید مال دول

باشد زیرا نمیشود این طور که میفرماید دول

بخدمت آن این است که مخفی هست ملک است

که در اینجا بسلاطین باشد ولی باین ترتیب شرعی مالک

آن شخص است که استخراج کرده است ولی ما باید

مصالح عمومی را هم از نظر دور نیندازیم و ملتغای ملک

که اینها راجع باتاری این ملک و وجودش در ملک

اهبیت تاریخی دارد و آنچه راجع بسلاطین قدیم

باشد همیشه حفظ بکنیم از این نظر نظری در اینجا

مایه داریم که این این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دولت است و اگر در این ملک دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

میتواند آن را بسلاطین باشد ولی باید ملک

بخدمت آن این است که این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه ای این این این است در حکم دفیمه و متعلقات

دوچیزه

اصلاحی در این کار بکنند و یاک تکلیفی برای آنها همین بکنند و این هم عرض میکنم که سابق از وزارت داخله گویا یک اختلافی شده بود که مخابرات مجانی نهاده شد یک چنین چیزی نظرم هست و از انجمان آذربایجان اشکالات این را اظهار داشته بودند و ممکن نیست این را قبول بگنند البته صحیح است و همانی نباید باشد مخابرات لکن طرف اینجا حقوق هلت است یا تلگرافخانه .

هعاون وزارت پست و تلگرافخانه —

در اینجا مقصود این نیست که وزراء یاهر کس را که

معاون وزارت دیست و تلمکر افغانستان

است وزارت داخله وواند عامله اجارت باید پول از دولت بگیرد و خرج بکند وظیفه خوری است اینجا نشسته کار میکند اما وقتی بناد پول بگیرد از دولت یکی از پولهای هم که باید بگیرد و خرج بکند باید از اینجا باشد ولی همین که بناد پول از اینجا بگیرد و خرج بکند دولت میگوید بآن اداره این پولی که گرفتی کجا خرج کردی او باید صورت خرج خودش را بنمایاند اما وقتیکه بناد که تلگراف مجازی دولت بنویسد بدده عرض کردم آن حدس معلوم نیست متاسفانه در این صورت حال حالیه تلگراف خانه را پیدا خواهد کرد در وقتیکه مجلس شورای افتتاح شده بود عایدات تلگرافخانه دویست هزار ۱۰۱۰۰ تومان بود اما عایدات تلگرافخانه ۱۰۱۰۰ تومان شده است این کجا رفته است چه شده است تمام وقت تلگراف خانه صرف مخابرات مجازی میشود ماعوض اینکه عایدات را زیاد کنیم داریم عایدات را کم می کنیم و مستهلك می کنیم بنده عرض میکنم گمان میکنند که اگر این کار را بکنیم برای ما صرف نمیکند بنده عرض میکنم اگر این کار را بکنیم اقلا درسان دارای سیصد هزار تومان عایدات تلگرافخانه خواهیم شد بنده شاید بقدر همه آقایان رفاهیت مردم را بخواهم و خود را هم یکی از اشخاص بدانم که اینجا آمدہام که رفع حمت از آنها بکام برای همین نظر مخصوص میگویم که باید پول آنها کرفت و حفظ حدود و تغورشان کرد نبا ملاحظه کرد که یکعباسی بکیسه او بیفتدا مایکو ق خبردار شوند که کار خراب است بنده عرض میک در صورتیکه میتوانم هر قدر از این راههای مشرعاً سخت گیری بکنیم مطلب نمیخواهند پول هم بدده چه ضرر دارد آخر از این راه باید رفع حوائج امردم بشود مگر ایران بهشت شده است که احتیاج نداشته باشد از راههای دیگری هم که ندهد هم چیز حاضر باشد من می بینم ایران بهشت نشده و چیز هم اینجا حاضر نیست باید تمام چیزها باز خود اهالی تهیه و حاضر شود باید یک پولی بدنه تاینکه با آن بول بتوانند اوازمات رفاهیت و اسلام را فراهم کنند یک مملکتی که سه مقابله مملکت فر است بایست وشش کروز عایدات نمیتواند خود اداره کند باید عایداتش را زیاد بکند که بتواند مردم را راضی نگاه بدارد و حالا اگر میخواه مجلس رای بدهند که مخابرات دولت همه اش باشد بنده بشما قول میدهم که عایدات تلگراف خود را دارد چون ماده دارد که باید تمبر الصاق کند به تلگرافات بعد از اینکه بناد بتعام مخابرات تلگراف تمبر الصاق شود دفتر تلگراف وقتی مبتواند مرتب باشد و حساب را نگاه بدارد که استثناء نداشته باشد پس از این نقطه نظر که مسئولیت دارد و باید حساب خودش را بدیوان محاسبات به پردازد نمیتواند عایدات اداره را از جمع خودش بدون جهتی خارج بکند باید تمام مطالب در دفتر اداره بطور پول جمع شده باشد بله مسلم است یکی از مخارج هم این خواهد بود و ادارات دولتی یک پولی باید برای مخابرات بدهند و پول دادن ادارات دولتی که مخابراتی دارند با انجمن ها و پول دادن در مقابل این قسم از مخابرات پول ریختن از این کیسه دولت همان کیسه دولت است لکن فایده اش همین قدر است و این ماده برای این وضع شده که ترتیب اداره تلگراف مرتب باشد و هر وزارت خانه دارای یک بودجه است همچنانیکه از بابت بودجه تنگوزیل بتمام وزارت خانها اخطار شد و در بودجه خودشان نوشته اند که تمام مخابرات تلگرافیکه دارند و بعد از آن آن میزانی را که بیش بینی کرده اند بوزارت مالیه پیشنهاد بکنند و از وزارت مالیه با احتیاج میدهند آنوقت آن وزارت خانه مطابق اعتباری که گرفته است بفرستند که فلانقدر تمبر بفرستید ماهیم برای اینکه بتوانیم از عهده حساب در موقع پرداخت حساب بدیوان محاسبات بر آئیم و حساب ما تماماً مرتب باشد تمام عایدات خودمان را جمع کرده و حساب هم معین است امروز از این نقطه نظر خیلی واجب است برای محاسبات اداره تلگراف خانه این ترتیب ولی یک مطلب دیگری هست که امر ز آقای آقامیرزا مرتضی قلیخان تا یک اندازه توضیح دادند و مکر و عرض شده ما یک رشته سیم بیشتر نداریم در هرجایی آنچه امتحان کردیم با این بی ترتیبی که فعلاً در مخابرات مجازی داریم گذشته از آنجلمه اولیه مجال نمیدهد این مخابرات مجازی که مخابرات مردم که راجع بتجارت است ب محل های خودش پرسد بعلاوه پس از اینکه رجوع میکنیم با اصل مقصود می بینیم که در تلگرافات مجازی که از ادارات دولتی یا انجمن ها میشود در یک صد کلمه بواسطه اینکه هیچ حدی برای آنها معین نیست نوی کلمه آن مطالعه است که اینا از او استفاده نمیشود و اداره

تکریف بعد از اینکه خواسته باشد که این را تفسیک
نمایند نمیتواند این حق را باداره تکروافغانیهای

Digitized by srujanika@gmail.com

در روزهای سورمه‌سی ایران ۳۲۶ اردیبهشت

بداند وقتیکه تلگراف شما بمقدار سید بدو میبرد با برساند و اینجا مراد از وضوح بدینه صورتیکه وضوحش باندازه باشد که لابته اداره تلگراف کسی را مجبور نخواهد بذکر بعضی از کلمات .

اردبیلی - اینکه آقای مخبر ماده اظهار میفرمایند آن مربوط بعرض بنده ماده (۱۱) همینقدر میگوید بطور آدرس بدھید و در سال سه تومن در کارسازی دارند این در بطي بعرض بنده نمکن است اجزاء تلگرافخانه بهمچوجه نکنند و اصرار خواهند کرد که این واضح وضوح آن مخاطب را در آنجا باید دانست است که در آن نقطه معروفیت داشته باشد که معلوم شود لکن در تلگرافخانه مقاعد نمیشو باشد این عبارت نوشته شود واستثناء بکند معرفیت محلی داشته باشد .

رؤیس - رأى میگیریم باین اصلاح اردبیلی آقایانی ^اکه قابل توجه میدانند قیام نمودند (اغلب قیام نمودند)

رؤیس - باکثیرت قابل توجه شد و بره بكميسيون ماده ۱۴ قرائت نمیشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ مخابرات تلگرافی احدی جزء سلطنتی مجانية نخواهد بود

آقا شیخ محمد خیابانی - در تمام افون اداره تلگرافخانه طرف بود بالشخص میتوانستیم که رأى بدھیم و هر قدر تحمیل بکنیم عایدات دولت لکن اینجا میبینیم که اداره تلگراف میشود با حقوق ملی مثل این حقیرا که اداره اینجا از اینجا میباشد اینجا آقای مرتضی قلیخان امروزهم فرمودند بعضیها سواعداً میکنند مثل منشی اداره نمک با اسم اینکه تلگراف موضوع شخصی میگردند استاد از یک حق مشروع و این را جلوگیری کرد ولی امروز قبل از اینکه مایک بدھیم با جمنها و بک ترتیباتی بدھیم برای انجمنه ایالتی و ولایتی یعنی یک اعتباری بدھیم با آنها باین رأى بدھیم و باین زودی باهم این اقدام را تکلیف شان را بفهمند و عرايض مردم را چطور راه بمرکز برسانند و این احتیاجاتیکه داریم مخ انجمنهای ایالتی و ولایتی قبل از اینکه مایک تکلیف شان را بفهمند و عرايض مردم را چطور سهولتی بمرکز بررسد و انجمن بفهمد تکلیف را که عرايض مردم را چطور و از چه راه ببرساند و هیچکس هم نمیتواند صد تومن دو تومن خرج بگند از خودش و چطور عرايض را بدولت برساند و بكلی این مخابرات قطع می و انجمن ها نخواهند اطلاع داد بعضی وقاری دولت هم گمان میکنم که اقدام نخواهد کرد با

خواهند انداخت (در این موقع شروع باخذه اوراق رأى گردیده آقای حاج میرزا رضاخان بعد ذیل شماره نمود ورقه سفید علامت قبول ۱۰ ورقه آبی علامت رد (۱۰)

رؤیس - ماده اول باکثیرت ۱۰ رأى تصویب شد - ماده ۱۰ (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد .)

ماده ۱۰ - تلگراف کننده باید عنوان طرف خود را بطور وضوح تعیین نماید .

رؤیس - مخالفی هست (اردبیلی بنده مخالفم)

آقا سید حسین اردبیلی - این کلمه بطور وضوح از آن چیزهای خیلی مهم است بسا هست که اسباب اشکال میشود ممکن است که یک کسی بقدرتی معروف باشد که فوری تلگراف باو بر سدولی اجزای تلگرافخانه بگویند که یک تفصیلی باید بر او زیاد شود و این را نمیتوان که اجزاء تلگرافخانه را متقادع نمود که این یک کلمه یادو کلمه خیلی وضوح دارد و آن طرف خیلی معروف است اجزاء قبول نخواهند گرد و میگویند که باید بطور وضوح بنویسد از این جهه بنده تصور میکنم که اسباب اشکال فراهم شود .

حاج و کیل الرعایا - یکی از مشروع ترین عایدات دولت اخذ قبیلت مخابرات است که حق دارد که اورا عبارت ایک چیزی را زادتر قبول بگند و بمصارف دولت بر ساند و گمان میکنم از اینکه بقدر دو کلمه زیادتر بنویسند که مطلب واضح باشد بهتر است بلکه هم اگر ما متعدد باشیم در رأى ما هیچ رأى بدی نداده باشیم بنده مخصوصاً بعد میگویم که دو کلمه زیادتر بنویسند تا اینکه یک چیزی بدولت عاید شود برای اینکه تا او مجبور نباشد تلگراف نخواهد کرد چه ضرر دارد مملکتی که تقریباً هر مالیاتیکه با آنها میخواهند تعمیل بگند برای مخارج عمومی حس نکرده اند که باید مالیاتی برای مخارج عمومی وضع کنند که مخارج ادارات بگند پس جهت ندارد که ما حاضر بشویم از سروته عایدات دولت بزیم و این گویا بجای خودش درست باشد و هیچ وقت نباید از دست داد و گمان نمیکنم که این جزئیات بالآخر هکی خواهد شد برای دولت .

رؤیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است .)

رؤیس - اصلاحی از طرف آقای اردبیلی بیشنهاد شده قرائت نمیشود . (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد .)

بنده بیشنهاد میکنم که عبارت ذیل ضمیمه ماده ۱۰ شود (مگر اینکه معروفیت محلی داشته باشد .)

هخبر - اینجا عرض میکنم که آقای اردبیلی گویا ماده (۱۱) این رایورت را فراموش فرمودند که آنچه آدرس را نوشته است و اگر چنانچه شخص طرف معروفیت او بقدرتی است که بذکر اسم او فوراً فراش تلگرافخانه تلگراف را میبرد با ویرساند ابداً اداره تلگراف نمیگوید که اسم پدرش و کوچه اش را هم بنویسد ولی اگر معروفیت ندارد لازم است که فوراً توضیع بدهند مثلاً شامینویسید حاجی حسین این حاجی حسین کدام است حاج حسین طهرانی است یا سبزواری اینجا اداره تلگراف میگوید که شما لفظ خراسانی باطهر ابرا زیاد کنند تا فراش من

است که از مملکت خارج میشود و حمل بخارجه بشود **ارباب** - بنده این ماده را بکلی در اینجا زائد میدانم اینجا مذاکره در حفريات است یعنی کسانیکه حفر میکنند زمین را و یک چیزی بدولت بدهند این را بیول خریمه اند و مال مسلمان است و این را بچه حق میفرمایند که اینطور باید باشد اگر از بابت حق گمرکات است که آن موافق تعریف گمرکی میشود و آنهم راجح بوزارت تمالیه است راجح بفوائد عامه نیست ،

رؤیس - اصلاحی از طرف آقا میرزا مرتضی قلیخان شده قرائت نمیشود . (اصلاح مزبور بعبارت ذیل قرائت شد)

بنده بیشنهاد میکنم که ماده یازده این قسم نوشته شده و اصلاح شود .

جمعیت اشیاء عتبه که هیچ خواهند بخارج مملکت حمل نمایند باید قبل در اداره عتبیات از اهله داده و بعد از ادای عشر بقیه را علامت گذارند سوای قالی و قالیچه و انواع فرش ها هر کاه در سرحد این اشیاء عتبه بدون علامت و پنه دیده شود باشد اداره گمرکات عشر مزبور را دریافت داشته علامت گذراند **رؤیس** - رأى میگیریم باین اصلاح بطریق که قرائت شد .

هخبر - چون این اصلاح عین مقصود کمیسیون است کمیسیون قبول دارد .

رؤیس - عرض کرد تا آن رایورتها کمیسیون نباید باید بطریق نظامنامه رفتار شود لهذا رأى میگیریم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند فیض نمایند (اغلب قیام نمودند)

رؤیس - باکثیرت قابل توجه شد این قانون نام شد آقای آقا شیخ رضا توضیحی داشتند راجع نطقی که در این قانون عتبیات کرده بودند سوء فاهی شده است اجازه خواسته اند توضیح بدهند . **آقا شیخ رضا** - در بعضی از عرایض بنده سبب بعضی از اعاظم فقهای مجلس سوئ تفاهی وی داده است تصور فرمودند که بنده تمام مستخر جات راجح بدولت عرض کرده ام اینک عرض کنم که مده اینطور عرض کردم آن چیزهایی که مال مردم است بعبارت آخری از صفاتی ای ملوك و مال دولت است نه ها را عرض کردم راجح بدولت میباشد وغیر از نهاد را عرض زدم که در آن دو عشر بعبارة آخری مس منظور خواهد بود .

رؤیس - شور دویم قانون تعریفه تلگرافی چند مواد و اصلاح رجوع شده بکمیسیون که رایورت این او است داده شده ماده ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ مطرح اهد بود .

ماده اول قرائت نمیشود (ماده مزبور بعبارة قرائت شد)

ماده ۱ - قیمت مخابرات تلگرافی در تمام خاک این بخط فارسی تا ده کلمه اول ۲ هزار و ده شاهی ده کلمه ه شاهی است .

رؤیس - مخالفی نیست (مخالفی نبود) رأى بکمیسیون ماده اول بطریق که قرائت شد آقایانیکه موافقند سفید خواهند انداخت و آنها لیکه مخالفند ورقه آبی

است که از مملکت خارج
از اند میدانم اینجا مذاکره
کسانیکه حفر میکنند ز
هفت بدهست میاید باید یا
را بیول خریده اند و مال
بچه حق میفرمائید که این
بابت حق گمرکات است که
میشود آنهم راجح بوزار
عامه نیست ،

رؤیس - اصلاحی اد
قلیخان شده قرائت میشود
(اصلاح مزبور بعبار
بنده پیشنهاد میکنم
نوشته شده و اصلاح شود
جمعیع اشیاء عتبقه که
حمل نمایند باید قبل در
و بعد از ادادی عشر بقیه را
و قالیچه و انواع فرش ه
اشیاء عتبقه بدون علامت و
گمرکات عشر مزبور را دریا
رؤیس - رأی می
که قرائت شد .

هزه خبر - چون این اصا
است کمیسیون قبول دارد .

رؤیس - عرض کردم تا
ذیاید باید بطريق نظامنامه
یکیگیریم آقایانیکه این اصلاح
قیام نمایند (اغلب قیام نمود
حمل نمایند باید قبل در
و بعد از ادادی عشر بقیه را
و قالیچه و انواع فرش ه
اشیاء عتبقه بدون علامت و
گمرکات عشر مزبور را دریا
رؤیس - شوردویم قان
ونه مواد و اصلاح رجوع شد
او است داده شده ماده
اهد بود .

ماده اول قرائت میشود
(قرائت شد)

ماده ۱ - قیمت همخبرات
ان بخط فارسی تا ده کلمه
د هر کلمه ۵ شاهی است .

رؤیس - مخالفی نیست
کیم بعاده اول بطریقیکه قرائ
رسفیل خواهد آنداخت و آنها

خیلی امرار دارد که عمل خالصه زودتر یک ترتیبی برایش داده شود و تسلیکیش معلوم شود و یک رایورتی هم راجع بعمل خالصه اطراط تهران نوشته بدهندخواهیم دید که خرج و جمع مساوی شده و هیچ در صورتیکه بطوریکه عرض کردم تحت جمع اداره بیشنها داده شود و وقتوی که جمع عایدات را با این ترتیب قبول دارم بجهة اینکه بنده در آنجا تصريح کرده ام که یک اعتباری بوزارتغانه و انجمن ها داده شود و اضافه نهاده بعلاوه این ترتیب امور اداره در ضمن نطق خودهم توضیح دادم که انجمنهای ولایتی و توزیع خواهد شد از این جهت تقاضا مکتم که آن رایورت جزء دستور روز سه شنبه گذارده شود **رؤیس** — به رایورت داده شده است و امروز فرستاده می شود برای طبع و توزیع ولی رایورتی کاز کمیسیون بودجه باید داده شود گویا تا روز سه شنبه حاضر نباشد.

معزز الملک — رایورتی از کمیسیون بودجه نباشد باید.

رؤیس — چون دو مسئله است یکی اجراء دادن خالصجات یکی وجه غرامت

معزز الملک — این مسئله وجه خسارتم در کمیسیون قوانین مالیه مطرح شده است لکن

کمیسیون نتوانست مقاعده بشود و از طرف وزیر مالیه هم یک رأی قطعی ماده نشده است فقط صورت دو سه جلسه است که در اینخصوص مذاکره کرده اند و بلا تکلیف مانده است و موکول کرده اند برای هیئت وزراء هم‌هنوز در اینخصوص ترتیبی نداده اند.

رؤیس — پس حالا میخواهید رایورت کمیسیون قوانین مالیه جزء دستور سه شنبه شود

معزز الملک — به رأی بگیرید.

رؤیس — رأی میگیریم آقایانکه تصویب میکنند رایورت کمیسیون قوانین مالیه جزء دستور روز سه شنبه شود قیام نمایند (غلب قیام کردن)

رؤیس — باکثیرت تهییب شد

حاج آقا — یک تلگرافی از خراسان آمده بود بحضور حضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه و به مجلس فرستاده بودند و بنا بود که جواب آن نوشته شود و در مجلس خوانده شود و فرستاده شود نمیدانم جواب او چه شد.

رؤیس — این قبیل مطالب را نمیشود جزء دستور کرد حالا گر میخواهید جزء دستور شود روز سه شنبه رأی میگیریم برای روزنیشتن.

رؤیس — باکثیرت افتاده شد و بندی داده شد.

رؤیس — پس رأی میگیریم باید طوریکه مبلغ زیاد شد و آن را بدهند.

افتخار الاعظیم — کمیسیون ماده خودش را مسترد میدارد و اینرا قبول میکند.

رؤیس — پس رأی میگیریم باید همین طور مخابرات خوانده شد آقایانی که تصویب میکنند ورقه سفید

و قیمتی که اتفاق افتاده کارمهه در آن نظره بخصوص خرابی پیدا بکند باید همین طور مخابرات

آقای حاج میرزا رضا خان او اوق دای را از این قرار احصاء نمودند ورقه سفید (۴۸) ورقه آبی

(هشت).

رؤیس — باکثیرت ۴۸ رأی تصویب شد.

چون ماده دهم برگشته است بکمیسیون **حاج** میرزا شیرخوار - شبانی - دکتر اسماعیل خان -

(دراین موقع که بیست دقیقه از ظهر گذشته است هم رئیس حرکت کرد مجلس ختم شد) -

(اسامي رأيهای باوران).

(۱) — رأی درماده (۱) (قانون تعریفه تلگرافی باکثیرت (۱۱) رأی حجاج و کبل الرعايانا باکثیرت

(۲) — تصویب مکنندگان آقاشیخ ابراهیم زنجانی - آقاشیخ رضا دهخوار قانی - شاهزاده سليمان

میرزا شیرخوار - حجاج سید نصرالله - دکتر اعمیان ادب التجار - حجاج سید اعمیان - دکتر اعمیان انتظام الحکماء - معاصد السلطنه - دکتر اعمیان

شاهزاده لسان الحکماء - آقامیرزا احمد - دکتر حیدر میرزا - حجاج و کبل الرعايانا - دکتر اعمیان - آقاصید

حسین اردبیلی - شاهزاده ابوالقاسم میرزا - آقامیرزا

دادخان - آقا سید جلیل سلیمانی - منتصرا السلطنه

آقاصید محمد رضای همانی - آقامیرزا مرتضی قلیخان

معدل الدوله - اعتضاد الملک در کن‌الملک آقامیرزا

علی اصفهانی - معتمد التجار - مسوات - حجاج شیخی

خراسانی - آقامیرزا میرزا بودجه راجح بوره دو

نفر مجاهد مقتول

معزز الملک — چون وزیر مالی

و بنده مبالغه با بیشنها داده کمیسیون لکن در ضمن خواهد شد و وقتوی که جمع عایدات را با این ترتیب قبول دارم بجهة اینکه بنده در آنجا تصريح کرده ام که یک اعتباری بوزارتغانه و انجمن ها داده شود و توزیع خواهد شد از این جهت تقاضا مکتم که آن رایورت جزء دستور روز سه شنبه گذارده شود **رؤیس** — به رایورت داده شده است و امروز فرستاده می شود برای طبع و توزیع ولی رایورتی کاز کمیسیون بودجه باید داده شود گویا تا روز سه شنبه حاضر نباشد.

معزز الملک — رایورتی از کمیسیون بودجه نباشد باید باید.

رؤیس — چون دو مسئله است یکی اجراء دادن خالصجات یکی وجه غرامت

معزز الملک — این مسئله وجه خسارتم در کمیسیون قوانین مالیه مطرح شده است لکن

کمیسیون نتوانست مقاعده بشود و از طرف وزیر میشود با او آنوقت شکایت میکنم از آن مأمورو

رؤیس — پس رأی میگیریم بیشنها داده میشود که اختیار داده میشود که اگر مطالب دولتی

بنده دوباره بیشتر این را باید باشند و فقط این را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

میزرا میرزا مرتضی قلیخان اورا قبول نمیکنم و قیمه این را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که تلگراف او دولتی نیست آنوقت طرف

مشخص بود میتوانیم اورا قبول نمیکنم و قیمه این را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیزود که بعد دچار زحمات خلبی سختی خواهیم شد و این را اینجا میگیریم هیچکس مخالف نمیکنم

آن را گفته طرف مقابل قول نمیکنم و زیرا بار

نیز

یا خیر و برای بعداز این چه اقداماتی کرده‌اند که این قسم تعدیات ابدولت یا ارباب حقوق نشود سوال دویم بشهده در باب امتیاز نقره است که در اوایل شکل مجلس یک اجازه داده شد در باب نقره و شنبه شده که تاکنون بیست کرور یا زیادتر نقره آمده است منفعت دولت از باب ضرب سکه و تفاوت گذازد بعضی چیز های دیگر که از این مر و مجری غایب دولت شده است چه مبلغ است و معاون وزارت مالیه میتوانند صحت این معاملات را و این متفقین را گذر عمل ضرابخانه معین شده بفرماینده که مجلس مطلع شود و دیگر در باب تفتیش ضرابخانه که سه ماه است البته مطلعید که جمعی در روزنامه جات اعلان کرده‌اند پنجاه هزار تومان تفاوت آن را مقابله میکنیم و هیئت تفییض هم برای اینکار معین شد و نتیجه آن تفتیش چه شد شنیده شد که تقریباً در این خصوص هشتاد هزار بلکه صد هزار تومان آن هیئت تفییضیه اختلاف بیرون آورده‌اند و دفاتر ضراب خانه را خواسته‌اند و با آنها نداده‌اند ولی صحت و سقمش را نمیدانم و در این خصوص هم آنچه اطلاع دارند بفرمایندسوال سوم بشهده وجوهی را که کاینسته سابق از بانک استقراری گرفته‌اند گویا شنیدم یکصد و هفتاد هزار تومان و یک فقره چهل هزار تومان این پول از چه باید بوده و باز شنیدم حق تفتیش را که دولت ایران در باب معاملات رهنی بانک استقراری موافق قرار داشت الغاء کرده‌اند و در عوض آن صد و هفتاد هزار تومان را گرفته آیا صحیح است و حق تفتیش دولت ایران که قیمت ندارد سلب شده است یا خیر سوال چهارم بشهده در خصوص جناب حاج و کیل الرعایا است آیا در وزارت مالیه آقای حاج و کیل الرعایا چه سمتی را دارا هستند چون نظر ما همیشه براین است که وکلای ملت روی صندلی و کالت خدمت این ملت را بکنند نه در وزارت توانه‌ها و آقای حاج و کیل الرعایا هم خیلی زحمت کشیده‌اند بشهده در این مدت و کالت دو مرتبه بوزارت مالیه رفته‌اند و اطلاع وافی ندارم لیکن متواتر شنیده شده آقای حاج و کیل الرعایا در آنچه اطلاع مخصوصی دارنه میخواهم بدانم آیا بودنشان در وزارت مالیه سمت رسمی داشته یانداشته است و تصدی ایشان با مقام وکالت‌گمان میکنم منافی بوده است در این خصوص هم جواب بشهده را بدنهند سوال پنجم بشهده در باب منافع روده است مدت مدیدی است قانون روده از مجلس گذشته که آنهم بک کمکی برای امنیه و نظمیه مملکت باشد این قانون که از مجلس گذشت باقصدیکه وزارت مالیه در این خصوص کرده‌اند آیا منافع روده تا بحال چه شده و آیا در تمام ولایات بطوط صلح اداره شده و هم شنیده شده چند قدره بطوط قاجاق برده‌اند و نظمه از آنها جلو گیری کرده است و مجازاتی شده است صحیح است یا خیر سوال ششم بشهده در باب خساره است که دو سال است مبتلا هستیم از بابت نان که تحمل به دولت میشود یعنی اظهار میشود که باید دولت متحمل شود آیدولت جنس نداشته است که دچار این خسارات از بابت نان شده است یا آنکه دولت جنس بقدر کفایت داشت و این خسارات از لابالی گری مأمورین دولت شده است که امروز دچار این‌همه زحمت و خسارت میشود

بمستخرج بدهد و اگر در املاک شخصی باشد عشر بمستخرج و عشر بصاحب ملک می‌دهد که حق‌الارض باشد اینجا اشتباه شده است رئیس — اصلاح‌می شود دیگر ملاحظات نیست (اظهاری نشد — صور تمجلس با این اصلاحات تصویب شد) — کاغذی است از آقای سپه‌دار اعظم رسیده است فرائت می‌شود (بعمارت ذیل خوانده شد) مقام مجلس شورای ملی شید‌الله‌دار کانه چون برای استعلام چشم علی اصغر بندهزاده و اقامه او برای تحصیل و سیاحت خود بشهده باروب و مسافرت یک‌چندی برای رفع خستگی قسمت این قسم شد که بخته حرکت کردم و آقای ساعد‌الدوله اخوی را برای خدمت دولت و ملت و مجلس مقدس بودیه و نعم‌البدل در اینجا بر قرار داشتم از مجلس محترم استدعا دارم که در حق آن برادری که بادگار من است و خود او هم حق بزرگ برای خدمات در راه ملت و مشروطیت و انعقاد مجلس دارد کمال‌هرانی و معماونت و توجه را فرموده باشد دیگر استدعائی از نهایندگان محترم ندارم و سعادت آنها را از خداوند متمال خواهانم ۱۷ شهر جمادی الثاني ۱۳۲۹ (محمد ولی)

رئیس — مذاکراتی ندارد فقط برای اطلاع بودستور جلسه امروز قانون جنگل‌های بقیه شور در قانون تعریف تلگرافی — رایورت کمیسیون قوانین مالیه راجع بخاصه جات — ارج آقای عز‌الملک راجع بعدم قبول نهایندگان شغل دولتی — رایورت کمیسیون بودجه راجع بدون فرمجاهد — معاون وزارت مالیه برای جواب پاره سوالات حاضر شده‌اند و آقای ادیب التجار دوازده فقره سوال داشتند آقای ادیب التجار فرماید ادیب التجار — اولاً عرض میکنم این سوالات بشهده اغلب آن‌ها هفت ماه و شش ماه و پنجماه پیش از این شده است البته سوال هر نهایند تا اهمیت نداشته باشد بتوسط مجلس مقدس از هیئت وزراء و قوه مجریه اظهار نمیکنند چون سوالات من خیلی از موقعش گذشته است و این سوالات راجع بشش روز و هفت روز قبل نیست و اغلب اینها هفت و شش ماه و پنج ماه تاریخ دارد سوال اول بشهده در باب قبوض دیوانی و معماهه آنها است چنانچه همه آقایان دیده‌اند و وزارت مالیه هم میدانند این مسئله یک وزر و بالي شده است باین معنی که هم از کیسه دولت خارج شده و بحساب دولت گذاشته‌اند و هم بکیسه ارباب حقوق خیلی جزئی عاید میشود چنانچه سالیان دراز است حقوق دیوانی را توانی چهار هزار سه هزار دو هزار تایک قران و ده شاهی هم بشهده شنیده‌ام میفر و شندسوال بشهده این است که این تفاوت

بکیسه دولت می‌رود بکیسه صرافان بازار یا اشخاصی که این معاملات را میکنند و هم شنیده شده است در خود اداره مالیه هم در اغلب اوقات صرافه‌هایی بودند و هستند و از قرار مذکور آن‌ها یک‌شتر کتی هم با بعضی هاداشه اند و این معامله را میکرده‌اند صحت سقمش رایکه آیا اینها این معامله را از طرف خودشان میکرده‌اند بطوط تجارت یا از جانب بعضی اشخاص بشرآکت یا امانت نمیدانم سوال میکنم آیا در باب قبوض چه اقدام شده و تفاوت این معاملات را آقای معاون بفرمایند که بکیسه دولت رفته است

خان تریست — افتخار الاعظین — آقامیرزا ابراهیم خان حاج میرزا رضا خان — حاج شیخ‌الرئیس — آقا میرزا قاسم خان — حاج عز‌الملک آقا میرزا علی‌اکبر خان دهخدا — حاج سید ابراهیم حاج شیخ اسد‌الله — آقا میرزا رضای مسنوفی — آدینه محمد خان — متین‌السلطنه — رد کنندگان (۱۰ نفر).

آقای میرزا ابراهیم قمی — محمد‌هاشم میرزا — دکتر حاج رضا خان — معزز‌الملک — طباطبائی — فرزانه — آقا میرزا اسد‌الله خان — کردستانی — سعید‌الاطباء — لواعده‌الدوله — ارباب کیخسر و (اسامی رأیهای بالواراق).

(۲) رأی در ماده (۱۴) قانون تعریف تلگرافی با کثیریت (۴۸) رأی (تصویب کنندگان) صدرالعلماء دکتر اسماعیل خان — آفاسیخ علی شیرازی — زنجانی — حاج شیخ‌الرئیس — معتمد التجار — ذکاء‌الملک — حاج سید نصر‌الله — انتظام‌الحكماء — آقامیرزا داوود خان رکن‌الملک — دکتر حیدر میرزا — دکتر حاج رضا خان — اسان‌الحكماء — حاج شیخ علی خراسانی — مساوات‌شیبانی — سلیمان‌میرزا — آقامیرزا ابراهیم قمی — آفاسیدم‌محمد‌ضاهرزاده — سعید‌الاطباء — آقامیرزا الحمد منتصر‌السلطان — آقامیرزا مرتضی قلیخان — آفاسید حسین‌کناری — ابوالقاسم میرزا — معدل‌الدوله — معاضده‌السلطنه — آقا میرزا اسد‌الله خا — کردستانی طباطبائی — آقا میرزا قاسم خان — اعتضام‌الملک — افتخار الاعظین — حاج معین‌الرعایا — ضیاء‌الملک — نجم‌آبادی — عز‌الملک — شیخ غلام‌حسین — حاج میرزا رضا خان — شیخ اسد‌الله — آقا شیخ حسین‌یزدی — حاج عز‌الملک — میرزا یانس — دهخدا — حاج سید ابراهیم — هشتودی — آقا میرزا رضای مسنوفی . رد کنندگان ۸ نفر).

آقا میرزا ابراهیم خان — آقامیرزا رضا خان — نائینی — فرزانه — معزز‌الملک — نیر‌السلطان — حاج و کیل — الرعایا — ادب التجار — محمد‌هاشم میرزا .

جلده ۳۶۳

صورت مشرح روز ۳ شنبه ۳۲۴

شهر جمادی‌الآخری ۱۳۲۹

رئیس (آقای مومن‌الملک) ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر در صندلی ریاست جلوس نموده و ۳ ساعت وربع قبل از ظهر مجلس رسمی افتتاح شد صورت مذاکرت جلسه روز شنبه ۱۹ را آقای آقامیرزا رضا خان نایینی قرائت نمود (غایبین جلسه قبل) آقایان ناصر‌الاسلام — حاجی محمد کریم‌خان بدون اجازه — آقای بهجت با اجازه .

محمد‌هاشم میرزا — آن روز راجع بتعیقات بشهده اسمی از قاچاق بزدم عرض کردم این قانون راجع بتعیقاتی است که از حمریات پیدا می‌شود و مالیاتی به عنوان تعیقات بسته شده است مطلق که نوشته بود سوای قالیچه و قالی که از تعیقات خارج بشود و در گمرک اگر بخواهد مالیاتی بر آن پیندند طبیعده است اسمی از قاچاق نبردم .

رئیس — اصلاح میشود دکتر اسماعیل خان — بشهده در باب ملکیت پریروز عرض کردم اگر مالک دولت باشد عشر